

سروش

این روزنامه عضو جبهه آزادی ست

و بوسیله هیئت تحریریه اداره میشود

تخلیه ایران از طرف قوای شوروی

برای یکبار دیگر ثابت نمود که تبلیغات زهر آگین دشمنان دوستی ایران و شوروی جز رسوائی مبلغینی مانند سیدضیاء خائن

نتیجه ای ندارد.

فقط نیروهای شوروی تهران را تخلیه کردند

اصفهان آنطور که من دیدم

تقدیم به یو فایانی که زنجیر وفاداری را گسستند
و مردانه در راه آزادی ملت خود شهید شدند

امروز که این چکامه را میسریم (نیا) دختر چهار ماهه من سرخوش و آرام در کوهواره خود آرمیده و ملبونیا کودک هوشیار و تیرمروز این کشور در کلبه های روستائی و دشمه های کارگری بکناه اینکه از خاندان تو انگری برنخاسته اند در جنگال نیستی دست و پامیزند. اینها پادشخر من کوچکترین تقاوتی ندارند جز اینکه در یک اجتماع فاسد و کج بنیاد بدبنا آمده اند. امروز چنین است.

ولی فردا؛ فردای انقلاب فردائی که من و یاران من زندگی خود را بر سر آن گذاشته و بخاطر آن مبارزه میکنیم این برده سبیه دریده خواهد شد و اجتماع دادگستر و چاره جوی فردا هر کس را باندازه نیاز و شایستگی بهره مند خواهد ساخت. فریدون تولی ۲۴ ر ۲۸

فردای انقلاب

شیور انقلاب بر جوش ویر خروش
از نقطه های دور می آیدم بگوش
مگیردم قرار می بخشم امید
فرمان جنبش است می آردم بهوش
غوغای رستخیز روز قیام مرد
جان می برد ز شوق خون میچکد ز چشم
دل می طید ز درد

در تیره جنگلی انبوه و دور دست
بر طرف کوهسار در پای رود مست
نا چیز کلبه ایست بر یا ز دیر باز
دیواره بر شکست

بر شاخی از بلوط در آن مکان تنک
آویخته ز سقف و آرون یکی تنک
قد اقه بر غبار وز طول سال و ماه
بی نور و تیره رنگ

این همدم مست گر سالهای پیش
یکاره مانده است بر جایگاه خویش
از جنک و از شکار محروم و بی نصیب
افزوده تیرگیش

شیور انقلاب بر جوش ویر خروش
از نقطه های دور می آیدم بگوش
مگیردم قرار می بخشم امید
فریاد تو در دور فریاد تو در دور

آید بدست باد بر گوش من رسا
غوغای کارگر هورای رنجبر
فریاد یینا

بیمص ۴

چند روز قبل خبر مسرت بخشی توسط رادیوی تهران بگوش ملت

ایران رسید: «آتش سرخ تهران را تخلیه کرد»

با انتشار این خبر یکبار دیگر طشت رسوائی هیئت حاکمه خائن ایران و خدمتگاران استعمار امثال قه الا سلامی؛ ذوالقدر و سیدضیاء؛ که از طرف اربابان خویش یعنی محافظه کاران انگلیسی مأمور تیر کردن روابط ایران و شوروی میباشند. از یام سیاست زیر افتاد و مشت آنان برای هزارمین بار در پیشگاه افکار عمومی ایران و دنیا باز شد. ملت ایران بخوبی آگاهست که از دو سه ماه قبل طرفداران سیاست شوم یک جانبه و روزنامه های مزدور سیدضیاء از یک طرف و حامیان لندنی آنها از طرف دیگر برای فریبندن افکار مردم ساده لوح این کشور و پوشاندن مقاصد بلید ارتجاعی خویش؛ از آنچه اخلاص در مناسبات دوستانه ملتین ایران و شوروی و ایجاد روابط خصمانه بین دو کشور همسایه؛ چه جنجال و هیاهوی بی شرمانه ای راه انداخته اند. اگر بخواهیم محتویات روزنامه های استعماری مرکز (سیدضیائی) و جنوب (قوامی) را در این دو سه ماهه از لحاظ سیاست خارجی ایران در چند جمله خلاصه کنیم باید چنین بگوئیم:

دولت انگلستان با حسن نیت کامل مایل است هر چه زودتر ایران و قبل از همه تهران را تخلیه کند ولی دولت شوروی نسبت به سوء نیت دلرد و نابخوابد قشون خوش راز شمال و مرکز ایران خارج سازد. هر شخص بیغرض و وطن پرستی که روزنامه های دست راست و ارتجاعی را در این مدت مطالعه کرده باشد و به پیش فاشی فرستاده های لندن و دهلی که در این روزها از کثرت لطف و محبت؛ سنک استقلال کشور ما را خیلی باحرارت تر از ملت حقیقی ایران بسنه می زند گوش داده باشد تصدیق خواهد کرد که ما در خلاصه کردن محتویات و اشارات دستکاهای تبلیغاتی فوق. بطرز بالا؛ بهرچوجه مبالغه نکرده ایم. بیمص ۴

فرار زندانیان جهرم

چگونه صورت گرفت

انتخابات

فرانسه
انتخابات فرانسه تاکنون بوضع شکست آوری بفتح احزاب دست چپ تمام شده است سوسیالیست های فرانسه فعلا اکثریت دارند تاکنون ۱۳۶۶ نفر بشح زیر انتخاب شده اند. سوسیالیستها ۳۳۳ نفر کمونیستها ۱۰۲ رادیکال سوسیالیستها ۲۹۲ جمهورخواهان ۶۰ نهضت مقاومت ۱۵۹ جمهورخواه مستقل ۱۴۳ محافظه کار ۴ دسته های مختلف ۱۳۴

بطوریکه خوانندگان گرامی کم و بیش سابقه دارند چندی پیش ۱۸ نفر زندانی خطرناک از زندان تیب ۱۷ جبر در زمان فرماندهی سرهنگ شیروانی افسر سوار ارتش کشور شاهنشاهی فرار اختیار نمودند ولی تصور می رود تاکنون چگونگی فرار آنان بطور واضح مشخص و معلوم نیست برای اینکه توده رنجبر و زحمتکش فارس عامل این عمل فجیع را شناخته و بداند باعث این ناامنی ها و شرارت های گوناگون که هر لحظه دسترنج آنان را تهدید می نماید کیست ما طبق اطلاعات صحیحی که بدست آورده ایم متهم حقیقی را معرفی و این عمل خائنه را که تاکنون در پرده استار بود پشمناشایان این منظره مینماییم.

دو زندان جهرم سی و سه نفر زندانی شطرنک که هر یک از آنان بقیمت ملیونها پول توده بیچاره و ورزش خونهای بی گانه بدست سرهنگ دیپیمی دستگیر شده بودند زندانی و قریب یکسال دو زندان جهرم بسر میبرد تا اینکه در لیل ۲۴ ر ۳۱ منجربفرار

بیمص ۲

روزی که از تهران بقصد نخستین دیدار عازم اصفهان مبشدم خاطرات شیرینی از این شهرستان در مغز خود می پرورانم. من اصفهان را ندیده بودم ولی از کتب تاریخ و جغرافی و از افواه و اقوال اطلاعات زیادی راجع به آن داشتم. گذشته اصفهان را بخاطر میاوردم، از قدیم الایام معروف بود که اصفهان نصف جهان است. پس باخود میگفتم، اصفهان شهر بزرگی است. شهری است که در دوره صفویه مقرر بزرگترین دولت های شرق بود. شهری است که عظمت آن سیاحت و المیجان فرنگ را دچار حیرت و شکفتی مینمود. شهری است که آبادی و فراوانی آن زبان زد جهان بود. شهری است که در صنعت و تجارت بازرگین شهرهای آن روز رقابت میکرد. شهری است که آثار و ابنه آن هم اکنون چشم و عقل بزرگترین مهندسین دنیا را خیره مینماید.

این گذشته اصفهان بود. شهرت خاله آن را بنظر می آوردم. از طفولیت در گوش ما بکرات خوانده بودند که اصفهان یکی از آبادترین ولایات ایران است. صنعت و کشاورزی آن در درجه اول است. در نقشه های مصور اصفهان را با عکس کارخانه و انواع اشجار و حیوانات تصور میکردند. فرایم هم این چیزها را بشوهرت می رساند. کار تفره اصفهان شهرت جهانی داشت.

پارچه های آنرا در سراسر کشور می پویشیدند. در سونهای آگهی زعدامروز (۱) همیشه میخواندم اصفهان منجسترا ایران است. گر و خریزه اصفهان دهن هر کس را آب می انداخت. خلاصه ارزانی و فراوانی مترادف بانام اصفهان بود.

از مجموعه این اطلاعات اصفهان ایدالی من شهر بزرگ و زیبایی بود که مردم آن در کمال خوشی و سعادت و فراوانی نعمت زندگی میکردند. با خود میگفتم در آنجا همه بشرکت و معاونت یکدیگر کار میکنند و بر حسب لاف و استعداد خود از معصوم دسترنج خویش بهره مند میگردند. در آنجا دیگر مقتضور و طفیلی مالک و ارباب وجود ندارد که مانند زالو خون کارگر و دهقان را مکیده و از نمر کار آنها بیش و عشرت مشغول باشد. در آنجا دیگر کسی گدا و لغت و گرسنه نیست. در آنجا دیگر بیکاری و بیعاری و جهل که همه در اثر فقر اقتصادی است اصلا وجود ندارد.

باز باخود میگفتم، شهری که منسوجات آن ب عراق و مصر صادر میشود البته اول دفعه اهالی خود را ملبس مینماید. شهری که محصولات زراعتی آن بازارهای تهران را مملو ساخته البته نخست مردم خود را سیروی نیاز کرده است.

بیمص ۳

از دید و بهر سوزانی
میبارد و خوب که دفت
بود دارد و آتش نام
من اخیر ایران را در وقت
بازیم زود می فهمیم که
ند فوراً با کیمهای
شکاری او تا توانسته اند
که رنگ خواب ملتهرا
و ده زیر آس از آنکه
نام گامها را بگوش
برست خائن و بیطرف
است که هفت کانی
هزار ساله و دودگار
دشمنی با توده مردم
است. در زمان محمد
از «دلیخوف»
یکبار برای شکست
ناب آقای سیدضیاء.
که کریانگیر ملت قهر
و یگانه پرست باشند
جال تر سوو. دوره
و فرعون فرو شدند.
من هر موز خود باز
هایشان بیرون کشید
دار «هاو» میرزا
ن کرده و تاثیر ماسک
مل همیشه بهر سوز
میزها میخوب شده
نیشوند. کلبه
هنوز که هنوز است
یالی و و افوری هنوز
ای حساس کشور را
(۱) «آید ضیاء»
شرف و اعانای
از حقوق رعینا و
و گرسنه و دغابنای
قت کید و از خنده
دوره هم جمع شده اند
باعقل و منطق جور
مال و ستمیده را
و در باید هر چه زودتر
شکاهش سجد می
نویس هائی را که
د خاک زمین را
نمود بروند.
همین جهت است که
این دزدان خانگی
مهربان توده مبارزه
حساب خودشان را
بایان

فرار زندانیان

چگونه صورت گرفت

آگهی مزایده

زبان ذریع موقوفه آید... مسکن سال اجاره سالانه و در... ساعات آنها در شهر...

مت	میزان اجاره سالانه ریالی	نوع و مقدار و محل وقوع رقبات
۲۹۰۰۰	۲۹۰۰۰	شش دانگ قریب... مسکن سال اجاره سالانه و در... ساعات آنها در شهر...
۱۸۵۰۰	۱۸۵۰۰	شش دانگ قریب... مسکن سال اجاره سالانه و در... ساعات آنها در شهر...
۱۲۵۰۰	۱۲۵۰۰	شش دانگ قریب... مسکن سال اجاره سالانه و در... ساعات آنها در شهر...
۶۰۰۰	۶۰۰۰	مالکی... مسکن سال اجاره سالانه و در... ساعات آنها در شهر...
۱۶۰۰	۱۶۰۰	مالکی... مسکن سال اجاره سالانه و در... ساعات آنها در شهر...
۱۴۰۰	۱۴۰۰	مالکی... مسکن سال اجاره سالانه و در... ساعات آنها در شهر...
۶۰۰	۶۰۰	مالکی... مسکن سال اجاره سالانه و در... ساعات آنها در شهر...
۳۵۰۰	۳۵۰۰	شش دانگ قریب... مسکن سال اجاره سالانه و در... ساعات آنها در شهر...
۳۵۰۰	۳۵۰۰	شش دانگ قریب... مسکن سال اجاره سالانه و در... ساعات آنها در شهر...
۵۰۰	۵۰۰	شش دانگ قریب... مسکن سال اجاره سالانه و در... ساعات آنها در شهر...
۱۱۰۰۰	۱۱۰۰۰	بگدانک... مسکن سال اجاره سالانه و در... ساعات آنها در شهر...

بقیه از صفحه اول

۱۸ فراتر آن میگردولی... این خانه تفتی هائی است... یک بک تشریح مینمایم

۱ - ساختمان زندان... ۲ - احتیاطاتی که زندان را تسخیر... ۳ - اصولاً این زندان... ۴ - برای ساختمان جدید... ۵ - ابتکار فرماندهی... ۶ - آزادی زندانیان... ۷ - از کفه قهوه خانه... ۸ - شکستی را مینمایم... ۹ - الف - زندانیان در... ۱۰ - اختصاص زندانیان... ۱۱ - از قبیل احمد... طرف فرماندهی... افسر نگهبان... نباید (بازجویی زندانیان...)

با نظارت اداره اوقاف و رعایت شروط و بطور مزایده مجاز در روز ۱۳ شهریور

شروط

- ۱ - معرفی ضامن معتبر در صورت سلب اعتبار ضامن در خلال مدت اجاره مستاجر ملزم است که از تاریخ اولین اخطار متصدی در ظرف مدت ده روز ضامن معتبر دیگری بجای او معرفی کند و در صورت تخلف اختیار مسمخ بقیه زمان اجاره با موجد است
 - ۲ - اجاره موافق مسلم و بدون دعوی هر گونه آفت و خسارت است و در اسفند سال ۲۵ و ۲۶ چنانچه صلاح موقوفه باشد برای مسزی قراء منتهی اختیار مسمخ با موجد است
 - ۳ - کلیه هزینه فلاحی و کشاورزی و خجانات سالیان بار عیایا و خرج قنات نصف به عهده مستاجر و نصف به عهده رعایا است
 - ۴ - مالیات و عوارض به رسم و مالیات مزایده و هزینه تنظیم سند و یک نسخه رونوشت گواهی شده سند برای ایگانی اوقاف به عهده مستاجر است
 - ۵ - هر گاه بگما از موعد پرداخت هریک از اقساط مال الاجاره بگذرد و مستاجر مسمخ بدهی خود را کلاً یا بعضاً نپرداد اختیار مسمخ بقیه زمان اجاره با موجد است
 - ۶ - پیشنهاد دهندگان میتوانند نسبت به یک یا چند رقبه پیشنهاد دهند مشروط به اینکه میزان مال الاجاره هر رقبه را بطور تفکیک در پیشنهاد خود قید نمایند
 - ۸ - به پیشنهاد های مهم و فایده سریده و خلاف آگهی و دارای شروط اضافی ترتیب اثر داده نمیشود و رد یا قبول هریک از پیشنهاد ها بسته بظرف اداره اوقاف و موجد است
 - ۸ - مستاجر ملزم است که بدو هزینه زراعی آن را که بعمل آمده طبق تصدیق کارشناس تقد ۱ - بپردازد
 - ۹ - پیشنهاد دهندگان باید مبلغی را که بابت سریده هریک از رقبات در ستون مربوط ذکر شده بحساب ۸۹۹ اوقافی تعویض بانگلی نموده پیش بانک باقی بقض صلح حسابداری اوقاف مبادله و سنده پیشنهاد خود نمایند تا اگر مزایده بنام آنان اصابت و از قبول اجاره خود داری نمودند سریده آنان بنمود موقوفه ضبط شود
- خواستاران اجاره میتوانند از تاریخ انتشار این آگهی لغایت شنبه ۵ این پیشنهاد های خود را در یک بسته مهر و لاک شده که روی آن جمله (راجع با جاره رقبات موقوفه شاهچراغ) با نشانی روشن پیشنهاد دهنده قید شده باشد گذارند بدو اوقاف تسلیم و رسد دریافت دارند پیشنهاد های رسیده روز یکشنبه ۶ این سه ساعت قبل از ظهر در اداره اوقاف قانس باز و رسیدگی خواهد شد مزایده حضوری بعمل نخواهد آمد ولی حضور پیشنهاد دهندگان بنا بر این است که آن در جلسه خواندن پیشنهاد ها آزاد خواهد بود - به پیشنهاد ها باید یکریال غیر عرایض الصاق شود - شماره ۸۷ - ۲۴۷۲۲

متصدی موقوفه محمد حسین شریفی

در تهران

نطق آقای دکتر کشاورز

بالاخره با همه بازیهای که اکثریت برای بتویق انداختن نطق نمایندگان توده در آوردند و در این باره آقای دکتر کشاورز موفق شدند که نطق مفصل و مهمی در مجلس شورای ملی ایراد نمایند این نطق در محیط سیاسی تهران مثل یب صدا نمود متن کامل آنرا در شماره های آینده منتشر خواهیم ساخت.

روزنامه آئینه فارس هنوز توقیف است

این روزنامه با هیچ بستگی ندارد و معلوم نیست در آئینه هم چه رویه ای پیش گیرد ولی بهر جهت توقیف آن بنظر ما موردی نداشته است اکنون یک هفته از توقیف آن میگذرد از آقای سرایدی انتظار داریم دستور رفع توقیف صادر نمایند

انتشار اعلامیه حزب توده ایران در تهران

دو یا سه اعلامیه ستاد آرش کیمه مرکزی حزب توده اعلامیه ای منتشر ساخته و در این اعلامیه برده از اسرار مهمی برداشته و توضیحاتی سر لشکر از قیام را علنی ساخته است متن کامل اعلامیه در شماره آئینه منتشر خواهد شد.

توقیف روزنامه رستاخیز ایران

روزنامه رستاخیز ایران هم بسر نوشت روزنامه های آزاد خواهد دیگر گرفتار و دچار توقیف گشت بجای آن ایران بزرگ منتشر میشود اکنون از روزنامه های آزاد خواهد چپ در تهران فقط روز روز ایران بجای داد و ایران بزرگ بجای رستاخیز ایران و مسصمت که بوسیله نویسندگان روزنامه های رهبر - رژیم - ایران ما - برود رعد امروز مرد امروز اداره میشود منتشر میگردد.

بهای اشتراک

سالانه ۳۰۰ ریال شش ماهه ۱۶۰

بهای آگهی

صفحه اول ۱۵ ستری ۱۵ ریال
تلفن اداره ۶۹۷
تلفن منزل مدیر ۴۷۵

بهای تکمیل و دو ریالی

چاپخانه آذر

ان نظور که من دیدم

بقه اول
باز
اهالی
شهر
خود را
حق
با خود
در این
و خف
شهر مانده
شد
دید
خلاص
سیدم
فرسح
تأید
کردید
نخست
جای
آری
شهرهای
قیافه
چندان
دیده
را بابت
اشعه
از مشاهده
برای
حاصل
تهران
مگر
اگر
آن
سرما
قبل
خیابان
ولی
توده
وعیل
نگاه
داشتم
زندگی
این
دو طرف
اسفالت
و دفات
بسر
خندان
اینها
نگریستند
مخصوصاً
کردند
در این
نست
ولی
بزرگان
من
نیدانستم
آن دهقان
فیل
بدبخت
سعادت
من
شد
قیل
مشاهده
روی

الکسانه (متر)
ترجمه
است ۱۴ ژوئیه
سقط
استیل
۳۱
بسیار خوب
لونه
بکسان
والا
آری
دارم
لونه
او کجا
فرش
بسیار خوب
بسیار خوب
لونه
و بیس
قط
آری
یقین
آری
حیزی
خیر
خیلی
مگر
بلوسد
هچ
و عجب
بسیار خوب
باستیل
چه
مگویم
واقعا
چطور
باستیل
خراب
باستیل
نقرا
باید
دشمنان
زادگان
این
آزاد
دوست
آری
بارسی
شیر
بس
حق
آرا
بس
یوا
را
حریف
شده
خواهد
بیوانه
نخواست
لونه
اول
سن
مدام
بسیار
مشاهده
دو خندق
مکنید
از آنها
است
استیل
بسیار
مشاهده
دو خندق
مکنید
از آنها
است

اداره روزنامه سروش

در قسمت اخیر شماره ۶ روزنامه آینه فارسی شده است در حدود دروازه کازرون یکمرد فقیر از بیچاره و کودک بکنهش از فرط گرسنگی جان سپرده اند با اینکه همه میدانند نان راز فلان فراوان و کاملاً خوب میباشد و اگر هم اتفاقاً کسی دسترسی به آن نداشته باشد باو فور و فراوانی بیوهجرت رسان خوارباری قدر مسلم کسی از گرسنگی نمیرد اصلاً دستور بازجویی در اطراف مراتب اداره شهر بانی داده شده گزارش رسیده از آنجا نیز برخلاف واقع بودن خبر مزبور را رسماً تأیید نموده با متعاب که در مقاله مزبور ذکر شده بنظر آنکه مراتب ایجاد هیجان بیوردی در مردم تشدید و وسیله تبلیغات سوء برای اشخاص مغرض نشود خواهشند است مراتب راجع روزنامه خود درج فرمائید شماره ۷۰۹۲ - ۷۰۹۳ - ۲۱۶۶۹ کلیل استنادی هفتم

مجله آینده

شماره ۹ و ۱۰ در ۱۱۶ صفحه بقلم آقایان آموزگار - آملی - بهار - پور داود خلعتبری - دکتر افشار - دکتر آملیان - دکتر امین دکتر قاضی سیاح - دکتر قاسم غنی - صفی پند - عراقی - فرخ - نزه باصاوری اشعار و مطالب زیر منتشر شد:

انقادات سیاسی (ایران و ترکیه) - مسئله آذربایجان - جرائد ترکیه و ایران - تأمل سرگشوده مجله سفیر ترکیه در نجاع و افکار عمومی (نامه) - های مشیر الدوله - شرح قصیده ارزقنی - اقتصاد ایران - سرزاده فتحعلی شاه در لندن - زندگانی اجناسی - مجلس سنا و حکومت پارلمانی - صد خطابه علی بیگ و شاه عباس - میزان درست فشار خون - زن در ایران باستان - زن و استغیاب - انتقاد اشعار حافظ - شرح حال نویسنده گان مجله - مجله و بصره احوال وزراء

قیمت با کفایت ۳۰ و کافند روزنامه ۲۰ ریال است
محل فروش کتابخانه ابن سینا دفتر مجله خابان بهلوی در بند
دکتر افشار تلفن ۵۵۳۱

دانه آتیمار و دیدرسول

عبدالله عینی

فرار زندانیان جهرم چگونه صورت گرفت

بقه از ص ۲
است در حالیکه بخشنامه است که انبر و طبقه را افسر نگهبان گذاشته و به معاونت افسر نگهبان کمارده شود
ب: معاونت افسر نگهبان یک استوار و انوری موزیک که آنها از فرار معلوم برای اولین مرتبه در جهرم معاونت را عهد دار بوده
ج: گروهان پاسدار از ضعف ترین گروهان های تیب و بطوریکه در پرونده منسک است تفنگ خود را در موقع زد و خورد از دست داده است ۲۰ کرا را از دست سر بازان کتک بخورده و شکایت را بهلوی فرماندهان مربوطه میرده است
د: سر بازان از ضعف ترین سر بازان تیب بطوریکه از موقع وقوع حادثه طبق گروهی دکتر بهداری تیب عندهای بهال آشنا و بهوشی بوده اند - معلوم نیست روی چه نظر خصوصی سازمان نگهبانی در آن روز بنظر تیب بوده است
۹ - ملاقات سرهنگ شیروانی با جهانگیر لکنی سه روز قبل از فرار تفنگر امی از کزدن زاندارمری فسا بنام رئیس ستاد تیب (سروان کسری) و بطور خصوصی به - مضمون زیر مفاخره میشود
بطوریکه پاسرهنگ شیروانی در فسا ملاقات لازم بعمل آمده ایشان هم با استغلاص جهانگیر لکنی موافق شنای نوباد آور شوند تا نامبرده مرخص شود (چون زاندارمری با استغلاص جهانگیر موافق بود)
دو روز قبل از فرار طبق با جزئیاتی که از قبای زانداگان بعمل آمده سرهنگ شیروانی با جهانگیر لکنی ملاقات متعاب بدین ترتیب که کلیه زانداگان را داخل اتاق رانده و با جهانگیر مساعدت پیدا کرد می بردارد پس از ششم جلسه زانداگان نتیجه این ملاقات را از جهانگیر خواستار میشوند نامبرده مکلف فرمودند همین روزها مرخص میشود
۱۰ - اهمال و غفلت علنی شیروانی
چندی قبل از واقعه فرار زانداگان با یکدیگر توافق کرده و خیال فرار را متعاب بدین معنی در موقع زدن بستراج حرکت مقداری خاک در حین ریخته به خیال اینکه در چشم نگهبان ریخته و فرار نمایند یکی از گروهانها که با آنان در یک زندان بوده و قاضی را بگروهان پاسدار اطلاع داده بالاخره در آن شب از فرار آنان جلوگیری میشود دادستان تیب چهار گزارش در خصوص فرار زانداگان بنام تیب نوشته و فرمانده تیب را از قضایا مستعصم بقیه ص ۴

درج است
بیرده خلیل
ملی شود
۲۹۰
۱۸
۱۲۵
۶۰
۱۶
۱۴
۶۰
۳۵
۳۵
۵۰
۱۱۰
مصدقی در
باشد برای
ایگانی اوقاف
داد اختیار
نور تفکیک در
ت از پیشنهاد
مویل باگمی
زقیول اجاره
ولاک شده که
قاف تسلیم و
هد شده اند
پیشنهاد باید
بفنی
تهران
حزب
ده از
قع را
آینده
های
ایران
وامجب
بجای
ن روز
امروز

کار ج
نموده و
لازم و

حسی و مسلم گردد که یسوا دی و پیداشی - یعنی عدم توجه به فرهنگ - باعث ظلمت و

فردای انقلاب

بقیه از صفحه اول

لغتی بجای خوش
وانگه دوان دوان
زی کبه مبدوم
سوی تفنگ خوش
میکیر مش بدوش
یا کیزه میکتم
گردش به آستین
سازم ز لوله پاک
یس بر کر ز شوق
بندم قطار خوش
کین جوی و خشمناک
ای نوبه توده ها
فریاد مرده باد
زرد پاک میشوند
آماده جهاد
غر نده همچو سیل
کو بنده همچو بتک
توفنده همچو باد
من بیخبر ز خوش
سرمست و یقرار
دریش آن گروه
جویای کارزار
خوش مبدوم دلیر
گر روزگار خصم
خوش بر کشم دعار
فریاد میزند
بیری از آن گروه
ای یاوران بهوش
ای همهرهان بهیش
دشمن ز ره رسیده
سرنیزه های خصم
در نور آفتاب
رخشد همی چشم
نیروی دولت است
این لشکر عظیم
سر کوب انقلاب
رگبار های تیر
ناکه ز هر دو سو
بارد بر هکدر
رزد ز بام و کو
غظم من از میان
در حمله نخست
در خون خود فرو
انبوه منتظب
کین خواه تر شود
جوشد بکارزار
هر آه تر شود
آرد چنان هجوم
رزد چنان بفاک
تا جیره ور شود
فردای انقلاب
بر صحن کارزار
نیمای من
من مرده ام ولی
شادم که صد جو او
شادند و کامکار

فرازندانیان جهرم چگونه صورت گرفت

بقیه از صفحه سوم

میسازد و تقاضای جلوگیری و رسیدگی فوری مینماید متأسفانه باین گزارشها ترتیبی اثری داده نشده تا بالاخره در لایحه ۳۱/۳/۲۴ گفته و نوشته های دادستان سر حله عمل گذشته شده و در ساعت ۸ صبح بعد از ظهر لایحه ۳۱/۳/۲۴ بناگاه زندانیان در موقع تعویض یاس دوم با علامت شرفیه (یک صدای شبیه صدای کوسفتند که علامت توطئه قبلی بوده) از زندان با فریاد هورا بیرون پریده تورا روی سرنگها باندخته با کوزه و منقل و خاکستروسنگ چهار نفر نگهبان جلوزندان را از پادر آورده پس از دوسه دقیقه زدو خورد چابن نتیجه میشود
شش نفر از اشرار کشته یک نفر زخمی ۱۸ نفر موفق بفرار و بقیه دستگیر و دو تفنگ نیز بدست اشرار میافتد
این بود اصل جریان فرار اکنون پس از مرک سهراب نوشدار و تهیه نموده یعنی سازمان نگهبانی را توسعه داده و پاسداران را تقویت نموده و این چند نفر بقیه زندانیان را بدست بند و با بند شب و روز محافظت مینمایند
و در مقابل عمل انجام شده در مقام معارضه بتکل و جلوگیری از خطر برآمده اند
افسر نگهبان را متهم شناخته و سخت در تحت شکنجه و عقاب قرار داده و تسلیم دادگاه نموده اند ولی فرمانده نیکی که بنابدلایل بالا متهم حقیقی این پرونده شناخته شده در بلاق اصطهبانات خوش و خرم زیسته و مشغول تنظیم اسناد فوق العاده و هزینه سفر جنگی و... میباشد در کشور ما هنوز مقررات و قانون بضع اقویا و بضرر ضعفا است ما توده فارسی امیدواریم که فرماندهی لشکر ۶ فارس با دقت متهم حقیقی را شناخته و بدادگاه نظامی جلب و نتیجه را بسم همگان رسانیده تا توده ملت بداند همه در مقابل قانون باید تسلیم فرود

مطابروهای شوروی تهران

را تخلیه کردند

بقیه از صفحه اول

و فقط منظور غائی آنانرا در اینجا نقل نموده ایم. هنوز فراموش نکرده ایم که دوسه هفته قبل رادیوی تهران و روزنامه های ایران خبر دادند که در باغ سفارت کبرای بریتانیا بعنوان خداحافظی یادگان هندی و انگلیسی از تهران ضیافت بزرگی داده شده است؛ ولی همه میدانند که تاکنون اثری از تخلیه عملی تهران از قوای انگلیسی هویدا نیست.

ملت ایران در نتیجه فشاری که در یک قرن و نیم اخیر بویژه دوره ریاست ساله حکومت رضاخان متحمل شده است؛ دیگر نمیتواند خود را بشنیدن تبلیغات تو خالی و مشاهده تشریفات بی معنی راضی و قانع کند؛ مخصوصاً که این گونه جنجالها از دولتی مثل انگلستان پروز کند که باعتراف وزیر خارجه سابق آن مستر ایسن؛ در نتیجه سوء نیت محافظه کاران و زمامداران گذشته و بد رفتاری مأمورین سیاسی آنان مورد تفر و خشم ملت ایران واقع شده است و کابینه جدید کاری نیز تاکنون برای ترضیه ایرانیان و ایجاد روابط و داد آموز کامل بین ملتین ایران و انگلیس دست به اقدامات اساسی زده است. در نتیجه تحولات عظیم سیاست بین المللی که جبراً منجر بیداری توده های عقب مانده و روشن شدن افکار عمومی گردیده است و همچنین بر اثر تکرار پرده های یکنواخت سیاست استعماری کنرمدت یگقرن و نیم اخیر از طرف محافظه کاران انگلیسی در ممالک شرقی خصوصاً ایران بازی شده است. اکثریت ملت ما نسبت بعقوق خویش آشنا شده و دست مجریان سیاست یک جانبه و اربابان پشت پرده را از پیش خوانده است.

ملت زجر دیده ایران دیگر از شنیدن حرفهای بی اساس خسته شده و باظهارات دول ذینفع و مأمورین سیاسی آنان مادامیکه با عمل توأم نباشد وقتی نمی نهد.
در جرائد ارتجاعی محافظه کاران انگلیسی نسبت به آزادی و استقلال ایران اظهار علاقه مصنوعی کردن؛ در حالیکه سوء نیت سرمایه داران انگلیسی نسبت به آزادی و استقلال ایران بکرات ثابت شده است؛ در رادیو های لندن و دهلی را جمع بجزئیات داخلی ایران هو و جنجال راه انداختن و اتحادیه های کارگری و احزاب آزادیخواه را مورد حمله و دشنام قرار دادن؛ در حالیکه ساده ترین فرد ایرانی از اعمال نفوذ غلظتی مأمورین انگلیسی در امورات مملکت ما و از آنچه در انتخابات دوره چهاردهم مجلس آگاه است؛ با وسائل گوناگون تبلیغاتی از عدم تمایل شوروی به تخلیه ایران و تهران اظهار تکرانی کردن و غیر تشکیل مجلس ضیافت خدا حافظی یادگان انگلیسی تهران را با بوق و کرنا بگوش جهانیان رساندن؛ در حالیکه پس از سه هفته که از ضیافت وداعیه میگردد هنوز سربازان انگلیسی تهران را تخلیه نکرده اند و بالاخره در حالی که قوای شوروی که آنهمه مورد ملامت و بی مهری محافظه کاران انگلیسی و جیره خواران ایرانی آنان واقع شده بود؛ بدون هو و جنجال و تبلیغات و تشریفات خنک عملا

تهران را تخلیه کرده است صد درصد بی اثر و بی فایده میباشد. ملت ایران انتظار دارد که زمامداران کنونی انگلستان اصول پوسیده سیاست محافظه کارانه قدیم را که منجر به ایجاد حس تنفر و از چار شدید نسبت بانگلستان شده است کنار گذارند و بجای وعد و وعید های میمورد عملاً حسن نیت نشان داده در طرز رفتار مأمورین سیاسی خویش در ایران که تا حال مبتنی بر معامله انگلیسی و هندی بوده است تجدید نظر اساسی کنند و از حمایت جیره خواران قدیمی خود که بنام وکیل و وزیر و ممبریکل بردوش مردم مفلوک ایران سوارند، دست بردارند.

البته ما از دولت انگلستان انتظار نداریم که صد درصد مانند دولت سوسیالیستی شوروی از روش استعماری سابق دست بردارد و در مبارزه با خدمتگزاران استعمار امثال سید ضیاء، دشتی و قوام با ما جدا هم آهنگ و همدوش شود. کسانیکه اندکی بعلوم اجتماعی آشنا و از شرایط وجودی دو رژیم سیاسی سرمایه داری و سوسیالیسم تا اندازه ای آگاهند میدانند که اصول سرمایه داری بهر شکل و صورتی که تظاهر کند بر پایه استعمار و اسارت ملل ضعیف تر مستقر است و بدون اینکار نمی تواند بجای و موجودیت خود ادامه دهد. در حالیکه اصول حقیقی سوسیالیسم از لحاظ ماهیت و شرایط وجودی با استعمار مخالف است. سوسیالیسم استعمار فردی را از فرد دیگر از بین میبرد و چون پایه اقتصادی و مشی سیاسی آن مبنی بر منافع خصوصی و سود شخصی یک اقلیت سرمایه دار نیست عملاً با استشارمندی از ملت دیگر یعنی با استعمار نیز مخالف و دشمن است.

روزی این اصل منطقی مایعین میدانیم هر فرد و من برست و علاقمند بسرنوشت کشور نیز باید بداند که دولت انگلستان و شوروی که یکی با رژیم سرمایه داری و دیگری با اصول سوسیالیستی اداره میشود در سیاست خارجی و معامله با دولتهای کوچک دو روش متفاوت و متمایز داشته و دارند.

سرمایه داری طرفدار استعمار و سوسیالیزم مخالف استعمار بوده است و خواهد بود. تاریخ یک ربع قرن اخیر ثابت کرده است که سوسیالیسم در سیاست احتیاجی بدورویی

آورده و آگاه شوند که متت های آهتین توده رنجبر پیشین ضعفا و تا آخرین نفس از حق توده های ناتوان دفاع مینمایند

بقلم یکی از مصلحین

موقتا

روزنامه شیراز تعطیل شد

روزنامه شیراز که در مطبوعات فارس بشع و زیبای و کثرت مطالب معروف بود تعطیل شد. دوست نویسنده و با ذوق ما این عطا آگاه (نویسنده نامه شیراز) طی آخرین سر مقاله ای که منتشر ساختند علل تعطیل روزنامه مزبور را یک یک شرح داده اند.

مادر این شهر ناظر بودیم و تصدیق میکنم که آقای آگاه در این جریان ذبیح بوده اند ایشان دست تنها تمام وقت خود را در هفته صرف تنظیم و نگارش این روزنامه میکردند با پشتکار و ذوق مخصوص یک آن غفلت نینمودند ولی مردم این زحمات را نادیده میکردند تصور میکردند یک روز نامه باین زیبایی بدون هیچ زحمتی تنظیم میشود حاضر نبودند حتی ابونه مختصر آن ایراد از همه گذشته دامنه توقعات این و آن حدی نداشت بود مردم تصور میکنند هینکه با کسی سلام و علیکی میکنند او را خریدارند و باید هر باری را بدوش وی تحمیل کنند این دو محظور باعث دیگری جمع شد و روزنامه شیراز را بتعطیل انداخت. در عین حالیکه روزنامه شیراز در صرف ما مبارزه نمیکرد و هم مساک ما نبود تعطیل آن فوق العاده ما را متأثر ساخت و امیدواریم که مشترکین آن نامه نگذارند این تعطیل بطول انجامد.

واستار ندارد مقصود خود را که بر پایه حق و عدالت مستقر است صریحاً بیان میکند و در موافقی که سرمایه داری با هو و جنجال و تبلیغات تو خالی بخو اهد مقاصد امیر- بالستی خود را در زیر مساک بشر دوستی و مرفه داری از حقوق ملت های کوچک پیش برد سوسیالیسم عملاً حسن نیت نشان میدهد و نقشه های بی اساس سرمایه داران را با یک قدم مثبت نقش بر آب میکند. سرمایه داری با وعده تخلیه تهران میدهد ولی سوسیالیسم عملاً تهران را تخلیه میکند.

اگر در ایران یکدولت دموکرات و بی طرف روی کار باشد و بجای پیری و از سیاست شوم یکجانبه امروزی که بزرگ ترین ضربه را ب موجودیت و استقلال مامیزنه در سیاست خارجی نسبت به مسایگان بزرگ جنوبی و شمالی سیاست موازنه پیش گیرد ما مطمئن داریم که نخستین دولتی که کشور ما را از قشون خود تخلیه کند باز دولت شوروی خواهد بود.

مستر چرچیل نخست وزیر محافظه کار در مدت زمان مداری خود چندین بار این مطلب را بجهان با اعلام کرد که دولت شوروی پیش از هر دولت دیگری بتعهدات خود وفادار است. تا ریخ بیست و هشتاد شوروی نیز مؤید اظهارات مستر چرچیل میباشد. ملت ایران باید مطمئن باشد که اتحاد جماهیر شوروی بنا ب گفته صریح ژنرالیم استالین قصد تصرف اراضی دیگران و از آنجمله ایران را ندارد. فقط که های بی-مقر و مغرضی مانند سید ضیاء، تقه الاسلامی دشتی و قوام و روزی نامه های بی آبروی آنان میتوانند دولت سوسیالیستی شوروی را یک دولت متجاوز؛ کشور گشا و استعماری بخوانند و برای ایجاد تفاق بین دول متفق و پیش بردن مقاصد پلید اربابان خوش بازم ملت ستمدیده ایران را در تنگنای چهل دی اصلاحی نگاهدارند. دولت شوروی و پیشوای بزرگ آن استالین استقلال کشور ما را تضمین نموده و علی رغم دشمنان آزادی و استقلال ایران بزودی سراسر خاک ما را از قشون خوش تخلیه خواهد کرد. تا کور شوده آنکه

تواند دید. انتظار داریم همانطور که وزیر خارجه ایران در اعلامیه خود قید نموده دول انگلستان و آمریکا نیز بدولت شوروی تأسیست و هر چه زود تر بوعده های خود وفا نمایند و با دستهای از سربازان یگانه تخلیه کنند.